

رتبه اول

حسین خراسانی، الهه مرادی

97

Winner of the First Place in the Second Round
of the KOOCHÉ Magazine Design Competition
Hossein Khorassani, Elaheh Moradi

نام ۵۰-۵۰ برگرفته از پیشنهاد این پروژه برای ساماندهی فضاهای «پرو و خالی» و «عمومی و خصوصی» است. همین‌طور اشاره به «به اشتراک گذاشتن» دارد که این پروژه به‌عنوان یک سبک زندگی در پی آن است.

۴۰-۶۰ یا ۵۰-۵۰؟

کم‌وبیش مشهورترین قانون شهرسازی ایران، قانون ۴۰-۶۰ است. قانونی سطحی، هم به لحاظ فیزیکی و هم به لحاظ کیفی، که باعث بروز ساختمان‌هایی شده که در آن‌ها فضاهای باز، نیمه‌باز و جمعی بی‌اهمیت یا بی‌کیفیت‌اند. پیشنهاد این پروژه نسبت ۵۰-۵۰ در حجم به جای ۴۰-۶۰ در سطح است. یعنی ایجاد فضاهای باز و نیمه‌باز و همچنین فضاهای گروهی به میزان حداقل ۵۰ درصد از مجموع حجم فضاهای پروژه.

لطفاً به اشتراک بگذارید

رشد روزافزون جمعیت شهرها، مهاجرت به شهر و افزایش هزینه‌های دوام آوردن در شهرها از معضلات شایع است. این مسائل نوع جدیدی از ساختارهای معماری را پیشنهاد می‌کند: به اشتراک گذاشتن، یعنی کار اشتراکی، زندگی اشتراکی و تفریح اشتراکی.

خانواده امروز ایرانی؟

مخاطبان اصلی این پروژه افرادی هستند که شاید در تعریف متعارف و کلیشه‌ای خانواده ننگند. یعنی زوج‌هایی در طیف سنی ۲۰ تا ۳۰ بدون فرزند، یک پدر یا یک مادر با یک فرزند، زوج‌های سالخورده، زوج‌های جدانشده و جوانان تنها.

مجاری تولید و مصرف

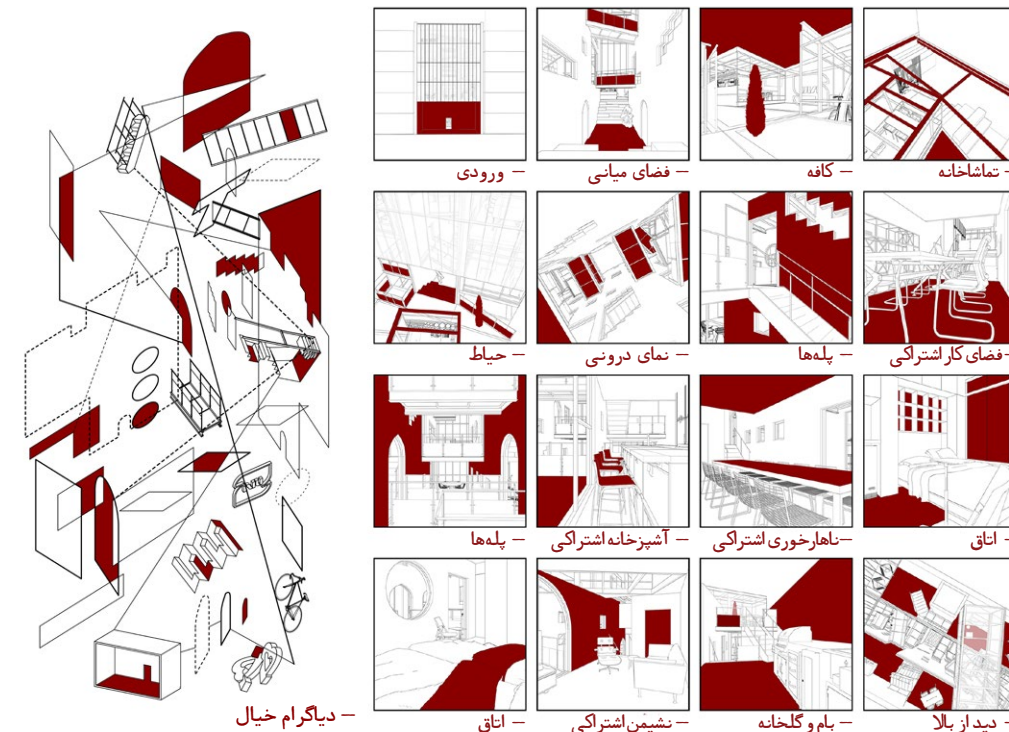
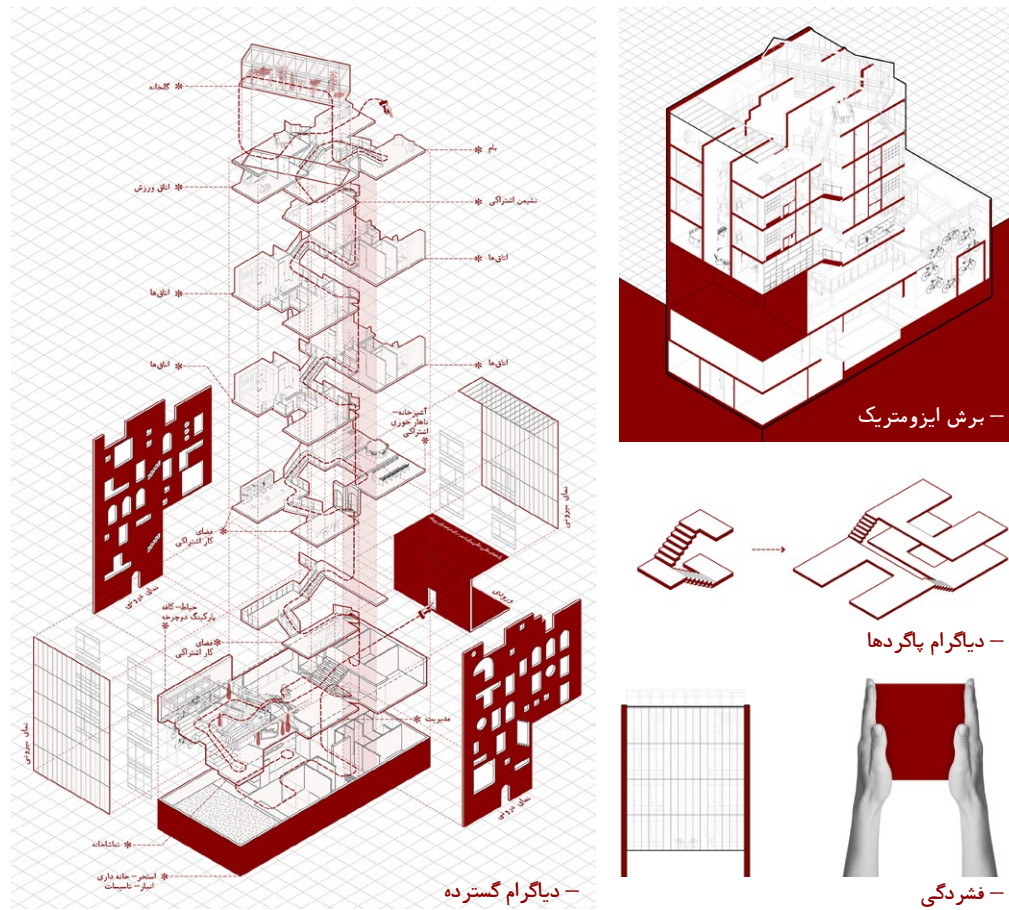
در مقابل عموم ساختمان‌های مسکونی امروز که تبدیل به پاکت‌های مصرف‌کننده شده‌اند، این پروژه با افزودن فضاهایی که به ساکنان و محله خدمات می‌دهند، در تلاش است تا لایه‌هایی از «تولید» به توده‌های «مصرف» نفوذ کند: فضای کار اشتراکی، کافه، کارگاه برای تولید آثار هنری یا کاربردی و گلخانه‌ای برای تولید بخشی از خوراک ساکنان توسط خودشان.

درباره طرح

ساختار پروژه دو جرز ضخیم قابل سکونت و عملکردپذیر در دو جبهه و فضایی کوچک‌وار و خالی در میان است که افزونه‌هایی آن را تبدیل به فضای ارتباط همسایه‌ها می‌کند. فضاهای عبور به جای شفت‌ها از آن خواهند گذشت و دیگر فقط محل عبور نیستند. پاگردها کش آمده‌اند تا زمینه پرسه در حجم را فراهم کنند. تراس‌ها به جای خیابان یا حیاط رو به این کوچه دارند. مثل یک «پن‌اوپتیکان»^۱ معکوس. توده ساختمان مکعبی معلق‌شده بین دو دیوار است. دو نمای پروژه‌های متعارف «در میانی»^۲ در این پروژه به چهار نما تبدیل شده. دو نمای پنهان در درون، پوسته‌هایی هستند که عنصر بازشو در آن‌ها کلّی است برگرفته از نماهای شهری تهران.

نمای بیرونی به شکلی طراحی شده که می‌تواند به‌سادگی در شهر هزاررنگ تهران گم شود. از منظر قرارگیری توده ساختمانی، پروژه مراقب است تا از محدوده تعیین‌شده برای همسایگانش فراتر نرود. از منظر برنامه به جز واحدهای اقامتی تک‌فضایی، سایر نیازها به‌صورت اشتراکی تأمین می‌شود. محله‌هایی برای معاشرت به‌موازات زندگی روزمره. فضاهای گروهی و باز و نیمه‌باز در ترازهای مختلف، اتفاقاتی از جنس شهر هستند که به حجم خانه نفوذ کرده‌اند. خانه و شهر در این پروژه تا حد امکان به هم نزدیک‌اند و در هم می‌غلطند. آن‌قدر نزدیک که بدون حتی باز کردن یک در و تنها با گذشتن از یک «درگاه» از شهر به درون پروژه کشیده می‌شویم و از طرفی با گشودن در اتاق خصوصی‌مان بلافاصله وارد شهر شده‌ایم. یک میکروشهر، گمشده در هیاهوی متروپلیس تهران. ■

۱. Panopticon
۲. In-fill



پَنجَاه - پَنجَاه*

* [یک میکرو شهر، گم شده در هیاهوی مترو پلیس تهران]



مقیاس کوچکی از تهرانی برای همه

من از تو هیچ نمی توانم
چون تو یک پاره های گسسته ای
از یک کل هستی که من
فقط یک تکه از آن هستم

نورخانه خانه

خانه و شهر
در هم می غلطند

لطفا به اشتراک بگذارید

فضای امن، درونی است
که بیرون است!

فشارگی

از اینجا وارد شوید

خانه بی در

ای پیر خرابات (۱۳۵)
ای صاحب کرامات
کی شود این شهر آباد
کی شود این شهر آباد

نود درجه چرخیده

شماره ۱۳۵

سادگی در بیرون و پیچیدگی در درون

کسی ندانسته
چرا من را تو نیستی
در این شهر آن کسی که
شهر آید و غافل بود
(مهدی)

دیدن خانه به جای نود و دو

ساخت ایران

هر اردو چهار صد و بیست



خورشید

پرنده
پرنده